

## بررسی تبلیغات سیاسی شاپور اول ساسانی و کنکاش پیرامون لقب «شاهنشاه ایران و انیران»، با تحلیلی از دو سکه منحصر به فرد، کتیبه‌ها و نقوش برجسته

سید ابراهیم رایگانی<sup>۱\*</sup>، مهسا ویسی<sup>۲</sup>، محمدمین سعادت‌مهر<sup>۳</sup>، سولماز رئوف<sup>۴</sup>

### چکیده

شاپور اول ساسانی (۲۴۲-۲۷۰ م.) در نبردهای متعددی که با امپراتوری روم داشت، توانست سه امپراتور رومی را شکست دهد. با توجه به آن که تبلیغات سیاسی-مذهبی از جمله بایسته‌های آثار به جای مانده از عصر ساسانی است، شاپور اول بر آن شد تا با ایجاد نقوش برجسته و حتی ضرب سکه‌ای دودیناری، پیروزی‌های خود را جاودانه سازد. در این بین لقب جدیدی به القاب شاپور اول؛ یعنی لقب «شاهنشاه ایران و انیران» در سنگ‌نوشته‌ها و به ویژه سنگ‌نوشته کعبه زرتشت به چشم می‌خورد؛ هرچند این لقب بر دو سکه منحصر به فرد نقر گشته است، اما پرسش را برای این پژوهش مطرح می‌سازد و آن که: ۱. ایجاد لقب «شاهنشاه ایران و انیران» در دوره شاپور اول ساسانی و ایجاد فضای تبلیغاتی در پیرامون آن چگونه بوده است؟ ۲. چرا به رغم بهره‌گیری شاپور اول از تبلیغات سیاسی-مذهبی در نقوش برجسته و سنگ‌نوشته‌ها، از لقب «شاهنشاه ایران و انیران» بر عموم سکه‌های رسمی و رایج استفاده نشده است؟ این مقاله بر آن است تا با بررسی متون تاریخی و شواهد سکه‌شناختی (باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی) دلایل اصلی عدم استفاده شاپور اول، از لقب شاهنشاه ایران و انیران را بر سکه‌ها بررسی کند. برآیند این پژوهش مشخص ساخت علاوه بر پیروزی‌های اذینه در جبهه غرب که از سوی برخی از پژوهشگران مطرح گردید، احتمالاً سکه‌های نقره صرفاً مصارف داخلی داشته و سکه‌های طلا نیز، سکه‌های رایج و قابل استفاده برای عموم نبوده‌اند، بنابراین فقط تعداد محدودی که امروزه فقط منحصر به دو سکه، دودیناری یادبودی و یگانه درهم نقره از شرق ترکیه به منظور کارکردهای تبلیغاتی به ضرب رسیده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** شاپور اول، سکه‌شناسی، نقش برجسته، ایران و انیران، ساسانیان.

**ارجاع:** رایگانی س.ا.، ویسی م.، سعادت‌مهر م.ا.، رئوف س. ۱۴۰۱. بررسی تبلیغات سیاسی شاپور اول ساسانی و کنکاش پیرامون لقب «شاهنشاه ایران و انیران»، با تحلیلی از دو سکه منحصر به فرد، کتیبه‌ها و نقوش برجسته. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۷(۱): ۱۴۹-۱۶۲.

۱- استادیار باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

۲- استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴- دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: e.raiygani@neysabur.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

## مقدمه

شاپور اول شاهنشاه قدرتمند ساسانی در نبردهای متعددی با امپراتوری روم توانست سه امپراتور را شکست داده و این هم‌اورد دیرینه را به پرداخت باج و خراج وادار کند (ویسپهور، ۱۳۹۳: ۲۰۳). با توجه به متون تاریخی، اسامی چون گوردیان سوم (۲۳۸-۲۴۴م)، فیلیپ عرب (۲۴۴-۲۴۹م)، و والرین (۲۵۳-۲۶۰م)، سه امپراتور مغلوب رومی در نبرد با شاپور اول شناخته شده (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۵۰) و شاپور برای بزرگداشت پیروزی‌های شکوهمند خود اقدام به نقر صحنه‌های نهایی این پیروزی‌ها، روی نقوش برجسته متعددی در بخش‌های مختلفی از ایالت فارس، در جایگاه سرزمین آبا و اجدادی خویش کرد. آنچه امروز از این نقوش برجسته قابل برداشت است، چکیده‌ای از نتیجه نبردهای سهمگین دو قدرت روزگار باستان است که در نهایت موجب پیروزی قدرت شرقی و ذلت بالاترین مرجع قدرت غرب، روم است.

در همین زمان است که شاپور اول برای اولین بار، لقب «شاهنشاه ایران و انیران» بر نام خود افزوده و بر دیواره کعبه زرتشت نقش می‌کند. آنچه روشن است که مفهوم واژه ایران، در حوزه مذهبی ایران بیشتر کاربرد داشته و چنانچه اردشیر اول خود را «شاهنشاه ایران» نامیده، به پیدایش مفهوم سیاسی آن در جایگاه سرزمین انجامیده است (نداف، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در آغاز هدف از ضرب سکه، تسهیل مبادلات و تجارت بود، اما پس از مدت کوتاهی سکه به ابزاری برای تبلیغات و نشان دادن اقتدار صاحب سکه، تبدیل شد (قهرمانی، ۱۳۴۹: ۲۱-۲۲). از این رو عنوان «شاهنشاه ایران و انیران» بر دو سکه منحصر به فرد، یعنی دودیناری یابودی و درهم یگانه‌ای از شرق ترکیه، نقر گشته، اما عمومی نشدن این عنوان بر مهم‌ترین عنصر تبلیغاتی آن عصر؛ یعنی سکه‌ها و بحث تبلیغاتی سیاسی شاپور اول در خصوص این لقب، با تکیه بر کتیبه‌ها و نقوش برجسته مسأله‌کانونی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

به نظر می‌رسد تمامی این نقوش برجسته و رای رویدادهای تاریخی، موضوعات دیگری چون تحقیر حاکمیت و اتباع هم‌اورد غربی شاهنشاهی ساسانی را به تصویر درآورده‌اند. نیک می‌دانیم سکه‌ها صرفاً منبعی برای آگاهی از تاریخ اقتصادی نیستند، بلکه از آن‌ها می‌توان در مطالعه تبلیغات دولتی نیز بهره جست (دریایی، ۱۳۹۶: ۳۱)؛ حال مسأله عمومی نبودن نقر عنوان شاهنشاه ایران و انیران بر سکه‌های شاپور اول می‌تواند این ضرورت را ایجاد سازد. در نهایت این مقاله بر آن است تا ابعاد تبلیغات سیاسی شاپور اول پیرامون لقب شاهنشاه ایران و انیران را مشخص سازد و در ادامه آن به بررسی سکه‌هایی که این عنوان بر آن‌ها نقر شده؛ یعنی دودیناری یابودی و درهم یگانه‌ای از شرق ترکیه، بپردازد.

این پژوهش دو پرسش اصلی را در پی دارد: ۱. ایجاد لقب «شاهنشاه ایران و انیران» در دوره شاپور اول ساسانی و ایجاد فضای تبلیغاتی در پیرامون آن چگونه بوده است؟ ۲. چرا به رغم بهره‌گیری شاپور اول از تبلیغات سیاسی-مذهبی در نقوش برجسته و سنگ‌نوشته‌ها، از لقب «شاهنشاه ایران و انیران» بر عموم سکه‌های رسمی و رایج استفاده نشده است؟

## روش پژوهش

باستان‌شناسی صرف کاوش و توصیف داده‌های مکشوفه نیست؛ باستان‌شناسی جدای از مطالعه تمامی رفتارهای مادی، مطالعه و بررسی رفتارهای معنوی گذشتگان ما را نیز در بر می‌گیرد. این گونه از مطالعات می‌تواند در زمینه‌های ادیان، اساطیر، هنر، ادبیات و حتی سیاست باشد (موسوی‌حاجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۶). پس برای این منظور باید رویکردی اختصاصی اتخاذ کرد؛ در این پژوهش از رویکردهای باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی کمک گرفته شد، تا داده‌های باستانی؛ یعنی نقوش-برجسته و سکه‌ها بررسی گردد. باستان‌شناسی ادراکی مطالعه و بررسی نحوه تفکر در گذشته است که از طریق بقایای به‌جا مانده از گذشته، به‌زاینده‌های ذهنی پی می‌برد (زنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۷۳). رهیافت تاریخی نیز بازسازی گذشته انسانی بر پایه بررسی و تحلیل انتقادی متون تاریخی صورت می‌پذیرد که در نهایت با داده‌های باستان‌شناختی ارزیابی می‌شود و تحلیل نهایی را ارایه می‌کند (سعادت‌مهر و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۵). در واقع استفاده از باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی در مطالعات مربوط به دوره ساسانی که هم شواهد مادی و هم متون تاریخی زیادی برجای مانده است، می‌تواند پایه‌ای اصلی و مناسب قرار گیرد، بنابراین در راستای اهداف پژوهش با تحلیل متون تاریخی، نقوش برجسته، کتیبه‌ها و سکه‌ها و با تکیه بر دو رویکرد باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی، این مقاله به رشته تحریر درآمد.

## پیشینه پژوهش

تاکنون درباره نقوش برجسته ساسانی مقالات و کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر درآمده و آوردن تمامی آن‌ها در این پیشینه سبب طولانی شدن آن می‌شود. در کتاب «نقش‌برجسته‌های ساسانی» اثر موسوی‌حاجی و سرفراز (۱۳۹۶)، علاوه بر آوردن فهرست کاملی از مقالات و کتاب‌ها در این موضوع، توضیحات جامع و مانعی نیز در این باب ارائه داده است. پژوهش‌های فراوانی نیز درباره تاریخ و سکه‌شناسی این بخش از تاریخ عصر ساسانی صورت پذیرفته است، اما سراسر آن‌ها خطی و تک بعدی بوده‌اند؛ یعنی نگاهی فراتر از مسایل تاریخی و سکه‌شناسی به‌این محدوده تاریخی نداشته‌اند، اما درباره این مسأله تاریخی، تاکنون چهار پژوهش اختصاصی تحت عناوین «شاپور، شاهنشاه ایران و انیران»<sup>۱</sup> (Alram et al., 2007: 11-40)، «برخی اظهارات درباره گونه سکه جدید کشف شده از شاپور اول»<sup>۲</sup> (Shavarebi, 2014: 281-290)، «یک درهم منحصر به فرد از شاپور اول»<sup>۳</sup> (Yücel, 2017: 331-344) و «سکه‌های ساسانی و نهاد پادشاهی» (دریایی، ۱۳۹۹: ۳۱-۴۴) به‌انجام رسیده است.

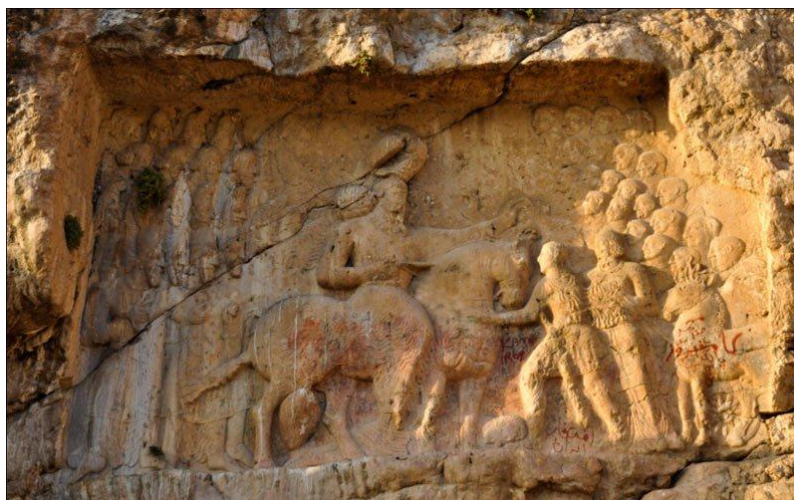
## نقوش برجسته شاپور اول و جنبه‌های تبلیغاتی آن

شاپور اول پس از خاتمه امور شرقی شاهنشاهی تازه بنیاد ساسانی، شورش ارمنستان را که به تحریک رومیان آغاز شده بود، فرونشاند، به میان‌رودان و غرب لشکر کشید و توانست شهر انطاکیه در سوریه را تصرف کند. وی پس از منکوب‌ساختن گوردیان سوم، مصالحه با رومیان به شرط خراج‌گزاردن فیلیپ عرب را پذیرفت و در نتیجه این مصالحه، میان‌رودان و ارمنستان را به ایران واگذار گردید (بیانی، ۱۳۵۱: ۳). شرح این لشکرکشی و میزان دریافت خراج از فیلیپ عرب، در کتیبه شاپور در کعبه زرتشت نقر شده است (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۰). برای دومین بار نیز در سال ۲۶۰م، شاپور اول به میان‌رودان و سوریه لشکر کشید و توانست امپراتور والرین را به همراه قوای اصلی روم، به اسارت گیرد و به سوی ایران راهی کند (فرای ۱۳۸۸: ۴۷۵-۴۷۷). شرح این لشکرکشی نیز در متون اسلامی با تفاسیر متعدد آمده و در این بین طبری از ساخت بندهایی به نام قیصر در مناطقی چون دزفول و شوشتر که از سوی قیصر رومی و سربازانش ساخته شده بود، به‌عنوان محصل لشکرکشی شاپور یاد کرده است (طبری، ۱۳۸۵: ۸۲۷/۱)؛ چنین پیروزی بزرگی در دنیای باستان، باید جلوه عظیمی پیدا کرده و یادمان آن به‌منظور تبلیغات پس‌اندی می‌بایست به‌نحو شایسته‌ای انجام می‌گرفت. شاپور اول به‌خوبی از عهده انجام چنین تبلیغی برآمده و رسانه‌ای چون نقش‌برجسته را در نقاط مختلف ایالت پارس به‌خدمت گرفت. این نقوش برجسته که چکیده‌ای از نبردهای متوالی و همچنین پیروزی‌های شاپور اول در نبرد با خصم رومی به‌تصویر کشیده شده، در مکان‌هایی چون دارابگرد (داراب)، تنگ چوگان بیشاپور (کازرون)، و نقش رستم (مرودشت) ایجاد شده‌اند. نظرات متعدد درباره افراد حاضر در این نقوش برجسته مبحثی فارغ از مجال این پژوهش است، لیکن شرح کوتاهی از موضوع هر یک از نقوش مذکور برای تحلیل‌های بعدی در زیر ارائه شده است.

## نقش برجسته دارابگرد

این نقش‌برجسته در استات فارس و در ۸ کیلومتری جنوب شهر داراب، در منطقه تاریخی دارابگرد و بر سینه کوه موسوم به پهنّا، با موضوع تبلیغ قدرت بلامنازع شاپور اول در برابر امپراتوران رومی، حجاری شده است (شکل ۱). در این نقش شاپور اول با هیبت یک شاه ساسانی سوار بر اسب ظاهر شده، در حالی که گوردیان سوم زیر سم اسب او افتاده و فیلیپ عرب و والرین به حال التماس رو به سوی اسب او آورده‌اند. هرچند نظر بیشتر پژوهش‌گران بر تعلق نقش به شاپور اول است (گریشمن، ۱۳۹۰: ۱۳۱)، اما برخی اعتقاد دارند که این نقش می‌تواند تصویری از اردشیر اول باشد (موسوی‌حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳). وجود ارابه سلطنتی و همچنین افراد حاضر پشت سر امپراتوران رومی، یادآور متن کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت است که اسارت والرین را به همراه سناتوران و سران سپاه شرح داده است (ŠKZ: Prth. 11)؛ جالب اینکه شاپور در کتیبه خویش مدعی شده است پیروزی بزرگی به‌دست آورده و گوردیان در کارزار کشته شده است، لیکن اثری از این ماجرای تاریخی در منابع رومی دیده نمی‌شود (Greatrex and Lieu, 2005: 62 & 166) و حتی درباره نبرد دوم شاپور نیز مطلبی در متون رومی پیدا نمی‌کنیم (فرای، ۱۳۸۸: ۴۷۵). با اینکه نمی‌دانیم تقدم و تأخر زمانی این نقش‌برجسته نسبت به دیگر نقوش مشابه چگونه است، لیکن این

نقش برجسته و نمونه‌های مشابه آن احتمالاً پس از اتمام پیروزی‌های شاپور بر رومیان، نقر شده باشند؛ چراکه کتیبه کعبه زرتشت شاپور نیز این گونه است (موسوی حاجی، ۱۳۷۵: ۵۲-۶۳ و سرفراز، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۱).



شکل ۱- نقش برجسته دارابگرد، پیروزی شاپور اول بر گوردیان سوم (نگارندگان)

#### نقوش برجسته تنگ چوگان بیشاپور

تنگ چوگان بیشاپور در استان فارس یکی از مهم‌ترین مکان‌های تبلیغاتی شاپور برای به‌نمایش درآوردن قدرت دینی و دنیایی خویش بود. در اولین صحنه (نقش اول صرفاً از منظر این پژوهش و نه تقدم تاریخی) از نقوش برجسته تنگ چوگان، شاپور سوار بر اسب از اهورامزدا ی سواره حلقه یا دیهیم قدرت دریافت می‌کند و زیر پای اسب وی خصم یا لگدمال گشته یا به‌زانو درآمده است (موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۹۹). در این نقش برجسته شاپور در ابتکاری قابل توجه به‌دو تبلیغ مذهبی و سیاسی دست یازیده است. اگر از بالا به‌پایین نقش مذکور را بررسی کنیم، مهم‌ترین تبلیغ شاپور در این نقش تاج‌ستانی یا دیهیم‌ستانی از نماد انسانی اهورامزدا است که به‌صورت دو شخص هم‌جایگاه انجام گرفته و شاپور قدرت خویش را از منبع مشخص و مشروع به‌نام اهورامزدا دریافت می‌کند (شکل ۲) و این قدرت مشروع موجب پیروزی شاپور بر دو امپراتور لگدمال شده زیر سم اسب شاپور و همچنین امپراتور زانو زده در مقابل وی، گردیده است. شاپور به‌این ترتیب توانست قدرت دینی و سیاسی را در یک نقش واحد به‌تصویر بکشد و خاص (روحانیون زرتشتی، نظامیان پیرو آیین زرتشت و اشراف) و عام (مردمان طبقات متوسط و فرودست) را از اندیشه دینی و همچنین قدرت سیاسی-نظامی خویش آگاه سازد.



شکل ۲- نقش برجسته تنگ چوگان بیشاپور (۱)، تاج ستانی شاپور اول از اهورامزدا و شکست امپراتوران رومی (نگارندگان)

در دومین نقش در تنگ چوگان، هنرمند حجار به‌درخواست شاپور زاویه نگاه به‌تصویر را عقب‌تر قرار داد تا دورنمایی بهتری از

تصویر متمرکز شده مشابه صحنه قبلی را ملاحظه کنیم (شکل ۳). شاپور اول در این صحنه دست یک فرد را در دست گرفته (موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۲۱-۱۲۷) و طبق معمول نقوش پیشین، فردی زیر پای سم اسب شاپور افتاده است و مردی دیگر به حالت التماس زانو بر زمین زده است، لیکن این بار خبری از تاج‌ستانی از اهورامزدا نیست و شاپور به جای اهورامزدا، حلقه مزین به روبان فره‌آمیز را از الاهی‌ای در حال پرواز دریافت می‌کند. پژوهشگران متعددی نیز این صحنه را پیروزی بر گوردیان سوم، فلیپ عرب و والرین قلمداد کرده‌اند (Reiner, 2006: 325 & McDermot, 1954: 77-80). این صحنه به‌زعم برخی از پژوهشگران خلاصه‌ای از پیروزی شاپور در سه نبرد بر رومیان است (لوکونین، ۱۳۹۳: ۳۱۳-۳۱۴) و برخی دیگر این صحنه را نبرد شاپور اول با اورانیوس آنتونیوس قلمداد کرده‌اند (Overlaet, 2009: 462). شاپور با زیرکی تمام به پاس قدردانی از تمام نیروهای آسمانی و زمینی که وی را در جریان لشکرکشی‌های پیروزمندانه به‌سرزمین‌های تحت تصرف هم‌اورد غربی یاری داده بودند، چنین نقشی را به‌مثابه رسانه‌ای قابل توجه ایجاد کرده است. اشراف و نمایندگان خاندان‌های مهم پشت سر شاپور به‌عنوان حامیان وی و روحانیون زرتشتی (گیرشمن ۱۳۹۰: ۸۲-۹۵) در مقابل او به‌عنوان تأیید کنندگان این عمل فره‌مند، تکرار حکایت قدیمی‌تری از پیوند دین و دنیای ساسانی از منظر روایت‌گونه کارنامه اردشیر بابکان است (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۶۷: ۴۲). روبان‌های در اهتزاز حاکی از فره‌مندی این عمل شاپور است (سودآور، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۵)، لیکن نکته قابل توجه در این صحنه که بار تبلیغات مذهبی و سیاسی صحنه را برای رومیان وقت قابل فهم می‌ساخت، حضور ایزدی رومی در حالی که روبان‌هایی (احتمالاً حلقه‌های پیروزی و شهریاری) به‌سوی شاپور می‌آورد، به‌عنوان آخرین مؤلفه قابل توجه شاپور از این صحنه به‌عنوان یک اثر تبلیغاتی است. شاپور از نماد تصویری ایزدی که احتمالاً در فرهنگ یونانی-رومی جایگاهی شناخته شده دارد، در اقدامی هوشمندانه حلقه پیروزی را این بار نه برای یک امپراتور رومی که برای شهریار ساسانی به‌ارمغان آورده است. شاپور به‌زیرکی تمام به‌بینندگان رومی این تصویر گوشزد می‌کند خدایان شما نیز از شما رویگردان گشته و ما را (شاپور و ایرانیان) تأیید می‌کند.



شکل ۳- نقش برجسته تنگ چوگان بیشاپور (۲)، پیروزی شاپور اول بر امپراتوران رومی (نگارندگان)

سومین صحنه نقش برجسته تنگ‌چوگان نیز صحنه‌های اولیه پیروزی شاپور بر رومیان را از نمایی دورتر لیکن منظم و مفصل‌تر به‌بینندگان عرضه کرده است (شکل ۴). در این نقش برجسته نمای سمت راست ایرانیان را در چهار ردیف منظم و رومیان را در سمت چپ در چهار ردیف منظم به‌تصویر کشیده است (موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۹). صحنه اصلی بر شاپور و دلاوری‌هایش - که مانند نقوش قبل به‌زانو درآوردن و همچنین لگدمال کردن امپراتوران رومی است، دیده می‌شود- تأکید دارد. شاپور در حالی که روبان‌های حاکی از فزونی فره‌ایزدی‌اش در اهتزاز است، از خدای بال‌داری استقبال می‌کند که حلقه پیروزی یا قدرت را از امپراتوران رومی ربوده و به‌وی تقدیم کرده است و همچنین حلقه‌ای دیگر در دست یک فرد که لباس رومی



پوشیده است، به سمت شاپور دراز شده است. شاپور بار دیگر به جهت بهره‌گیری تام از تبلیغات سیاسی دو جنبه دینی و دنیایی حاکمیت را به تصویر کشیده است؛ از یک سو خدایی رومی حلقه قدرت را به سوی شاپور می‌آورد و امپراتوران رومی را با این تصویر فاقد صلاحیت قدرت نشان می‌دهد؛ از سوی دیگر انسانی که حلقه قدرت را به شاپور می‌دهد و در واقع سرسپردگی و تحت‌الحمایگی خویش را اعلام می‌کند و به‌طور ضمنی قدرت دنیایی را شایسته شاهنشاه ساسانی می‌داند و نه خود. این جنبه از تفویض قدرت از زبان شاپور در کتیبه پارتی کعبه زرتشت نیز قابل پی‌گیری است: «... اکنون همان‌گونه که ما درباره امور و اعمال مربوط به‌ایزدان می‌کوشیم و [ما] دستگرد (کمک) ایزدان هستیم و به‌باری ایزدان این چند شهر را خواستیم و به‌دست آوردیم، نام‌آوری و دلیری کردیم، او نیز که پس از ما باشد و فرخ باشد، او نیز درباره امور و اعمال مربوط به‌ایزدان بکوشد تا ایزد [ان نیز با او] یار شوند و [او را] دستگرد کنند» (ŠKZ: Prth. 29-30). به‌نظر می‌رسد واژه ایزدان که به‌طور مکرر در متن تکرار شده، فقط بر خدایان ایرانی چون اهورامزدا، مهر و آناهیتا، و غیره تأکید دارد و حضور یک خدای مذکر بال‌دار یونانی-رومی (پوتی؟) در دو نقش برجسته معروف شاپور، می‌تواند مؤید آمدن سنت‌های هنری روم به ایران باشد، و شاید این مساله بتواند نشان‌دهنده تبلیغات سیاسی مذهبی شاپور علاوه بر جهان فرهنگی ایرانی به‌دنیای فرهنگی روم نیز باشد. اسیران رومی (که از قضا تعدادشان در بیشاپور و در نزدیکی این نقش کم نبوده است) با دیدن نقش مذکور و دیدن یک ایزد یونانی-رومی، پیروزی و غلبه مطلق شاهنشاه ساسانی بر امپراتور روم را از جنبه الهی و نظامی به‌وضوح مشاهده می‌کرد و اگر چنین باشد، شاپور اول به‌هدف خود دست یافته بود. چنین روشی بعدها در عصر خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م.) نیز، بهره‌برداری وی در نبرد و فتح انطاکیه واقع شد و پروکوپئوس نقل مفصلی از استفاده از واژه ایزدان از زبان خسرو دارد (رایگانی ۱۳۹۷: ۱۱۱). برخی از پژوهشگران در تفسیر حالت دست شاپور در نقش برجسته‌های متعدد و همچنین قرار گرفتن در حالت سلام روی سکه دو دیناری طلا توجه به‌خدایان به‌ویژه به‌اهورامزدا برای تشکر نسبت به‌اعطای پیروزی را یادآوری کردند (Alram et al., 2007: 22) و این موضوع یک-بار دیگر متن کتیبه کعبه زرتشت را تأیید می‌کند و همچنین دقت شاپور در توجه به‌خدایان و از جمله آن‌ها اهورامزدا را.



شکل ۴- نقش برجسته تنگ چوگان بیشاپور (۳)، نقش جامع پیروزی شاپور اول بر امپراتوران رومی (نگارندگان)

#### نقش برجسته نقش رستم

نقش برجسته پیروزی شاپور بر امپراتوران رومی در نقش رستم آخرین نقش برجسته‌ای است که در این پژوهش بررسی می‌شود. در این نقش مانند نقوش قبل، شاپور سوار بر اسب، دست یک امپراتور را در دست گرفته، درحالی که امپراتور دیگری ملتمسانه زانو زده و به‌پای جلویی اسب شاهنشاه ساسانی نزدیک می‌شود (شکل ۵). معمولاً این امپراتوران رومی را والرین، فیلیپ عرب و یا سیریادیس معرفی کرده‌اند (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۶۰؛ واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۲۶ و Canepa, 2010: 579-580). بعدها کرتیر پشت

سر شاپور تصویر نیم‌تنه خویش را نقر کرد (موسوی‌حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۱) و به‌گونه‌ای است که انگار صحنه را زیر نظر دارد.



شکل ۵- نقش‌برجسته نقش رستم، تسلیم شدن امپراتوران رومی در برابر شاپور اول (نگارندگان)

به‌نظر می‌رسد این نقوش‌برجسته با حالتی بی‌زمان و بی‌مکان صرفاً قصد نمایش پیروزی شاپور بر هم‌اورد دیرینه‌اش (امپراتوری روم) را داشته‌اند و به‌نوعی خودنمایی سلطنتی محسوب می‌شدند (ویسهوفر، ۱۳۹۳: ۲۰۳) و در تناظر با کتیبه کعبه زرتشت، مانند کتابی شامل متن و تصویر است که بنابه دلایلی که از آن‌ها آگاه نیستیم و به‌صورت پراکنده روی صخره‌های ایالت فارس نقر گردیده است. متن در کتیبه کعبه زرتشت به‌توصیف اقدامات موجود در نقوش‌برجسته پرداخته است و عکس این قضیه نیز صادق است، بنابراین قطعات پازل تبلیغات مذهبی-سیاسی شاپور در متن کتیبه کعبه زرتشت و نقوش‌برجسته صخره‌ای موجود در نقاط پراکنده ایالت فارس تکمیل می‌گردید و شاپور در سایر هنرهای منقول، کمتر از این تبلیغات استفاده کرد.

#### شواهد سکه‌شناسی و فراغت از تبلیغات بین‌المللی

سکه‌های ساسانی منابع بسیار مهمی در شناخت مؤلفه‌های مذهبی، سیاسی و هنر این دوران به‌شمار می‌روند که در کنار نقش اقتصادی، در اغلب مواقع به‌عنوان رسانه‌ای برای بیان رخداد‌های سیاسی-اجتماعی وقت، بنا به‌مصلحت شاهنشاه نیز محسوب می‌شدند. شاپور اول ساسانی از جمله پادشاهان ساسانی است که صاحب چند دسته سکه در ضراب‌خانه‌های متفاوت و در بازه زمانی حاکمیت خویش بوده است و این سکه‌ها اغلب از جنس نقره و موسوم به‌درهم و به‌ندرت از جنس طلا (موسوم به‌دینار) بوده‌اند (Schindel, 2006). در این پژوهش سکه نه به‌عنوان یک عنصر و بخشی از اقتصاد که به‌عنوان بخش عمده‌ای از نظام تبلیغات مذهبی-سیاسی شاهنشاهان ساسانی از جمله شاپور اول در نظر گرفته شده است. سکه‌های این دوره حاوی نقوش مذهبی از جمله ماه، ستاره و خورشید و همچنین نقش آتش و آتشدان هستند و نقوش سیاسی نقش شده بر این سکه‌ها شامل هبیت پادشاهان با تاج‌های متفاوت و همچنین کتیبه‌هایی که دو مقام مذهبی-دنایی این شاهنشاهان را گوشزد می‌کند (لوکونین ۱۳۹۳: ۲۶۱-۲۶۲). روی سکه‌های شاپور اول تصویر نیم‌تنه پادشاه به‌همراه تاج کنگره‌دار وی قابل مشاهده است و از این به‌بعد است که سمبلی از خورنه (Xwarrah) یا پرتوی الهی سلطنت روی سکه‌های شاهان ساسانی حاضر گشت و پشت سکه نیز آتشدانی با دو نفر در طرفین آن دیده می‌شود، احتمالاً شاه را به‌عنوان محافظ آتش به‌تصویر کشیده است (آلرام، ۱۳۹۳: ۳۵). نکته قابل توجه این پژوهش در سکه‌های نقره شاپور عدم بهره‌گیری از اصطلاح «شاهنشاه ایران و انیران است» و این در حالی است که چنین عبارتی در کتیبه‌های کعبه زرتشت، غار حاجی‌آباد و نقش‌رجب شاپور اول دیده می‌شود (بیانی، ۱۳۵۱: ۹-۱۸). نکته اساسی این است که این امر چگونه می‌تواند با تبلیغات مذهبی-سیاسی وسیع شاپور قابل تطبیق باشد؟ نیک می‌دانیم اکثر شاهانی که اقدام به‌جنگ‌های تهاجمی یا تدافعی کردند، تلاش کردند این عملیات جنگی را به‌گونه‌ای روی

سکه‌ها بازتاب دهند و گشایش ضراب‌خانه‌های مشخص نیز به‌این لشکرکشی‌ها وابسته بود (گوبل، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ از سویی می‌دانیم تغییر تصویرها، نشانه‌ها و نوشته‌های روی سکه‌های ساسانی به‌طور کلی با رویدادهای سیاسی مربوط بوده و دگرگونی‌های پشت سکه‌ها راوی اصلاحات دینی این دوران بوده است (لوکونین، ۱۳۹۳: ۲۶۱-۲۶۲)، با این اوصاف شاپور اول گرچه به‌امور دینی در پشت سکه‌ها توجه کرد، ولی اثری از نمودهای چشم‌گیر پیشرفت سیاسی-نظامی (آن‌گونه که در کتیبه کعبه زرتشت مدعی آن است) روی سکه‌ها دیده نمی‌شود. نگارندگان برای بررسی چنین رویکردی در عصر شاپور موارد احتمالی دلایل چنین عملی را بررسی کرده‌اند. در ادامه دلایل احتمالی چنین جریان تبلیغی-سیاسی را از منظر مطالعات تاریخی و سکه‌شناختی بررسی و هر یک از آن‌ها را نقد و تحلیل کرده‌ایم.

به‌نظر می‌رسد نفس درهم‌های ساسانی که کارکردی داخلی داشته و نه بین‌المللی، از جمله مفروضات چنین عدم نمود تبلیغ سیاسی (و نه مذهبی) شاپور اول بوده است. در ادامه شواهد چنین فرضی را بررسی کرده‌ایم. نیک می‌دانیم که ساسانیان مانند سلف خویش، شاهنشاهی اشکانی، کم‌تر اقدام به‌ضرب سکه‌هایی از جنس طلا می‌کردند، مانند این وضعیت در عصر اشکانی بسیار محدود و ظاهراً یک‌بار اتفاق افتاده است (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۱). در عصر ساسانی پادشاهانی چون اردشیر اول و فرزند او شاپور به‌تبع سکه‌های طلایی هم‌اورد غربی؛ یعنی امپراتوری بیزانس را به‌عنوان یک دست برتر دیده و اقدام به‌ضرب نمونه دینارهای تقریباً هم‌وزن آئوریوس رومی کردند (لوکونین، ۱۳۹۳: ۲۴۹-۲۵۰). حتی گاهی اقدام به‌ضرب سکه طلای شاهان ساسانی فعالیت‌های حیثیتی و گاهی وجهه سیاسی در نظر گرفته می‌شد و اهمیت جریان اقتصادی آئوریوس رومی را نداشته است (آلرام، ۱۳۹۳: ۲۸ و دریایی و رضاخانی، ۱۳۹۷: ۸۴). ضرب سکه طلا از سوی ساسانیان احتمالاً استناد سیاسی آن‌ها به هخامنشیان بوده و گاهی این عمل مساوی با جان گرفتن سیاست شرقی ساسانیان و لشکرکشی به‌سمت قلمرو شرقی امپراتوری که از روزگار قدیم مسکوکات طلایی در آن مناطق رواج داشت، قابل برداشت بوده، ولی باید دانست این ضرب سکه‌های زر در مقایسه با ضرب عظیم مسکوکات سیمین عملی تزئینی و سطحی برآورد می‌شود (گوبل، ۱۳۹۱: ۱۰۹ و ۱۱۱). به‌همین خاطر وزن این سکه‌های طلا از ابتدا به‌اندازه وزن سکه‌های آئوریوس رومی بود (از جمله در سده‌های سوم و چهارم میلادی)، لیکن بعدها کاهش وزن زیادی در این‌گونه سکه‌ها شاهد هستیم (لوکونین ۱۳۹۳: ۲۵۰). علاوه بر نمونه‌های بالا باید دانست سکه مد نظر در این پژوهش سکه‌ای دو دیناری بوده است که به‌عنوان یک سکه مناسبی در نظر گرفته می‌شود و نه یک مسکوک رایج اقتصادی؛ مانند این گونه سکه‌ها پیش و پس از آن نیز احتمالاً بنا به‌ضرورت مناسبت در عصر ساسانی ضرب گردیدند و به‌عنوان عطیه درباری استفاده می‌شدند. از جمله سکه دودیناری اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۲ م.) در موزه بریتانیا (SNS I, P. 306, A 14) و همچنین دودیناری هرمز دوم (۳۰۲-۳۰۹ م.) که امروزه در موزه ارمنی‌تار روسیه است (Gobl, 1971: 80) و جالب است که این سکه‌ها از الگوی مشابهی پیروی می‌کنند (Alram et al., 2007: 26). این رویه به‌دوران اسلامی و از جمله عصر آل‌بویه نیز تداوم یافت و سکه‌هایی با مضامین خاص در مناسبت‌های مذهبی و ملی به‌عنوان عطیه در بین درباریان توزیع می‌گردید (Busse, 1975: 273 & Miles, 1975: 375). به‌این ترتیب گرچه در عصر ساسانی سکه‌های طلا با وزن‌های گوناگون و به‌صورت پراکنده ضرب می‌شد، لیکن استفاده عمومی نداشته و بیشتر مناسبتی بوده‌اند. از سویی نیز سکه‌های نقره نیز در سرزمین‌های غربی که پایه فلزی پول‌های آن‌ها بر اساس فلز طلاست، کاربردی چندانی نداشته است که بتواند تبلیغی سیاسی در ارتباط با گستره پادشاهی شاپور و یا هر عمل خارق‌العاده وی را بروز دهند یا به‌نمایش بگذارند؛ به‌این ترتیب عدم نقر لقب شاهنشاه ایران و انیران، روی سکه‌های نقره ساسانی از سوی شاپور عملی قابل توجیه به‌شمار می‌رود. شاپور روی یک سکه طلای یادبودی که هم‌وزن آئوری‌های رومی هم‌زمان بود (۸،۲ گرم) به‌گونه‌ای نمادین پیروزی خویش بر کوشانشاهیان را به‌نمایش گذاشته است (شکل ۶) و زهرابیان طی مقاله‌ای این کوشش نمادین را در مقاله‌ای مختصر در ساسانیکا تحلیل کرده است. شاپور به‌نقر نماد آن‌اهیتا روی ستون پشت سکه همت گمارد و از طرفی قرارگیری شاه و اهورامزدا در کنار آتشدان و حضور نیزه سه شاخه (که از نمادهای کوشانشاهیان به‌شمار می‌رفته است و ظاهراً نماد خدای شیوا نیز بوده است) به‌عنوان نمادهایی از پیروزی شاپور بر این سلسله شرقی در نظر گرفته شده است، ولی شعار روی سکه مانند نمونه‌های درهم نقره چنین قید شده است: «شاپور مزدپرست، شاهنشاه ایران که نژاد از ایزدان دارد» (Zohrabyan, 2009: 2-4). شاپور روی این سکه نیز خود را شاهنشاه انیران قلمداد نکرده است با اینکه نمادهای روی سکه حاکی از پیروزی وی بر انیران بوده است، حتی می‌توان



تصور کرد که شاپور محدوده کوشانیان را بخشی از قلمرو ایران می‌دانست و به همین دلیل خود را ملزم به قید انیران روی سکه‌های مذکور نمی‌دید.



شکل ۶- دیناری از شاپور اول، به مناسبت پیروزی بر کوشانیان (Zohrabyan, 2009: 3)

یکی از معدود سکه‌هایی که شاپور از لقب شاهنشاه ایران و انیران روی آن استفاده کرد، سکه دودیناری منحصر به فرد، موجود در مجموعه خصوصی (بریتانیا) است که آلام و همکاران آن را معرفی و بر اصالت آن صحه گذاشته‌اند (Alram et al., 2007: 40-11). روی سکه تصویر نیم‌تنه شاپور به تصویر درآمده و پشت سکه به جای تصویر سنتی آتشدان در سکه‌های ساسانی، شاپور اول، شاهنشاه ساسانی سوار بر اسب و فیلیپ عرب، امپراتور روم به حالت خضوع و احترام به او نزدیک می‌شود (شکل ۷). نوشته روی سکه همان عنوان آشنای شاپور است، اما عبارت شاهنشاه ایران و انیران بدان افزوده شده است. کتیبه روی سکه، عبارت: «شاهنشاه بزرگ مزدیسنی، شاپور، شاه ایران و انیران که چهار از ایزدان دارد» و کتیبه پشت سکه، عبارت: «این بدان هنگام بود که وی قیصر فیلیپوس و رومیان را به بندگی و خراج‌گذاری گرفت» را شامل می‌شود.



شکل ۷- دودیناری منحصر به فرد شاپور اول با تصویری از اسارت فیلیپ عرب (Alram, 2007)

نیک می‌دانیم مضمون روی این سکه از نقوش برجسته متعدد شاپور اول (نقوش برجسته دارابگرد، بیشاپور ۱-۳، و نقش رستم) گرفته شده است. در این نقوش برجسته شاپور می‌خواست دلاوری‌ها و افتخاراتش را تا ابد ثبت کند تا سرمشقی برای خلف خویش ایجاد سازد و باید گفت نقوش برجسته پنجگانه و هم‌اشیای کوچک هنری چون سکه یاد شده و نگین برجسته‌کاری شده مجموعه پاریس بخشی از این تلاش به‌شمار می‌روند (آلام، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰). محل ضرب سکه یاد شده مشخص نیست، اما احتمالاً باید در سرزمین‌های شرقی (احتمالاً مرو) به ضرب رسیده باشد؛ گرچه گیزلن این سکه را با توجه به نوع طلا و حک سرسکه ضرب ضراب‌خانه تیسفون می‌داند (Gyselen, 2005: Nos. AV8, AV9)، اما این سوال مطرح می‌شود که چرا شاپور پس از فتح انطاکیه این سکه پیروزی را ضرب نکرد و در ضراب‌خانه انطاکیه سکه‌هایی با کیفیت پایین به ضرب رسانید (Gobl, 1971: 25 & SNS I, 85-87)، بنابراین زمان ضرب سکه مذکور اگر آن‌گونه که آلام و همکارانش می‌گویند، پس از ۲۶۰م. بوده باشد (بنگرید به مطالب بالا)، و آن‌گونه که از مطالب کتیبه کعبه زرتشت متعلق به سال ۲۶۲م. نیز می‌دانیم، شاپور لقب مروشاه را عمداً در بخشی از کتیبه حذف کرده است و این امر نشان از تحولات سیاسی جدید و حاکمیت مستقیم شاپور با فرستاده‌ای جدید بر سر این ایالت دارد (Carter, 1990: 11)، بنابراین احتمالاً می‌توان فتح مرو از سوی شاپور را نقطه‌نهایی کسب لقب «شاهنشاه ایران و انیران» در نظر گرفت، هرچند به مدارک بیشتری برای اثبات چنین نظری نیازمندیم، ولی نکته

مهم این است که سکه طلا به عنوان محل تبلیغات سیاسی بین المللی و انیرانی است و سکه های طلای ضرب شده از سوی هرمزد اول (۲۷۲-۲۷۳ م.)، بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م.)، هرمزد دوم، و همچنین شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) در مرو (Carter, 1990: 13-15)، بر چنین فرضی صحنه می گذارد یا سکه طلایی با سجع کنایه آمیز «ایران از ترس رها شد» (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۳۷) از سوی خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م.) از این نظر قابل پی گیری است (گوبل، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۴۴). از سویی سکه های نقره به واسطه مصرف داخلی، روندهای سیاسی خارجی در اوضاع داخلی را مد نظر قرار داده اند که نمونه چنین سکه های در زمان یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۰ م.) با لقب «رام شهر» (دریایی، ۱۳۹۲: ۷۶) و همچنین عبارت «فره» بر سکه های نقره خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م.) که یادآور شکست بهرام چوبین بود (دریایی، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۸)، روی سکه ها به ضرب می رسد. به این دلایل معمولاً سکه های طلا محل تبلیغات سیاسی بین المللی و سکه نقره محل تبلیغات داخلی به شمار می رفت، ولی همیشه نمی توان خود را پشت چنین مفروضاتی پنهان ساخت؛ چرا که اخیراً سکه های نقره (درهم) از شاپور اول در یکی موزه های شرق کشور ترکیه (موزه الازیگ) به دست آمد (شکل ۸) که روی این سکه، شاپور اول خود را شاهنشاه ایران و انیران معرفی کرده است (Yücel, 2017: 331-344)؛ گرچه این سبک و سیاق ضرب سکه کمی مهجور و غریب به نظر می رسد، ولی مثال نقضی بر این امر است که شاپور روی سکه های نقره خویش از لقب شاهنشاه ایران و انیران استفاده نکرد. سبک غریب سجع روی سکه و استفاده لقب مد نظر برای پژوهشگران کمی عجیب به نظر می رسد، ولی باید دانست این گونه درهم ها (با اینکه می دانیم مصارف داخلی داشته اند) چون در پایان حیات شاپور ضرب شدند، قاعدتاً می باید در تعداد محدود و یا اندک ضرب شده باشند؛ حتی نگارندگان این مقاله معتقدند سکه درهم شاپور، سکه ای رسمی نبود و نمونه های اندکی از آن ضرب گردید که احتمالاً یا در گذر زمان از سوی مردمان دوره های بعدی ذوب و استفاده مجدد شده اند و یا به ترتیب به واسطه گذر زمان از دسترس و دید عموم خارج گردیده اند.



شکل ۸- سکه نقره شاپور اول از موزه الازیگ ترکیه با لقب «شاهنشاه ایران و انیران» (Yücel, 2017: 334)

نبود وقت کافی برای شاپور از جمله شواهدی است که در زمینه عدم نقر لقب شاهنشاه ایران و انیران روی سکه ها قابل پی گیری است. باید دانست از زمان حاکمیت هرمزد اول تا شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م.)، واژه انیران روی سکه ها (نه در تمامی سکه ها) یافت می شود. گوبل معتقد است این امر مسلم است که هرمزد اول نمی توانسته این افزوده را در القاب خویش وارد کرده باشد و به بیان دقیق تر دلیل مستقیم این افزوده را باید در پیروزی شاپور اول بر والرین و دستگیری وی در سال ۲۶۰ م دانست و طبعاً کامیابی های شاپور اول در شرق امپراتوری که هنوز هم از آن ها اطلاعات اندکی داریم، به این روند اضافه می شوند. پیروزی نامه شاپور (کتیبه سه زبانه شاپور اول بر دیواره های کعبه زرتشت)؛ گرچه احتمالاً نگارش آن پس از مرگ شاپور به اتمام رسید، این امر را تأیید می کند (گوبل، ۱۳۹۱: ۷۳). گوبل در اظهار نظری عجیب تر از نظر قبلی ادعا کرد کتیبه کعبه زرتشت شاپور اول پس از مرگ وی نگارش و نقر گردید، ولی آلام و همکاران طی مقاله ای اثبات کردند که این کتیبه در زمان حیات خود شاپور نگارش و نقر گردید (Alram et al., 2007: 11-40). نیک می دانیم شاپور اول پس از تصرف کوشانشاهیان به ضرب سکه با علائم نمادین پرداخت و به نقر لقب شاهنشاه ایران روی آن بسنده کرد (Zohrabyan, 2009: 2-4)، از سویی نیز کتیبه ابنون نیز هنوز شاپور را شاهنشاه ایران معرفی می کند (نصرالله زاده، ۱۳۹۸). بنا به نظرات مییر (Meyer, 1990: 286)، هویز (Huyse, 1998) و لوکونین (لوکونین، ۱۳۹۳: ۲۷۵)، تاریخ نقر نقوش برجسته پیروزی های شاپور اول می باید پس از سال ۲۶۰ م. در نظر گرفته شود و از این تاریخ به بعد است که شاپور لقب شاهنشاه ایران و انیران را برای خود مناسب دید. این موضوع باعث شد تا آلام و همکارانش در مقاله معرفی دودیناری یادبودی شاپور اول، تاریخ ضرب این سکه را پس از ۲۶۰ م. اعلام کنند

(Afram et al., 2007: 11-40). به این ترتیب اگر ۲۶۰م. را سال ضرب سکه دودیناری بدانیم و همچنین نقر کتیبه کعبه زرتشت نیز در همین سال‌ها اتفاق افتاده باشد (حدود ۲۶۲م.)، شاپور اول حداقل ۱۰ سال تا پایان حیات، زمان در اختیار داشت تا عنوان شاهنشاه ایران و انیران را روی سکه‌های نقره ضرب داخل نقر کند، لیکن می‌دانیم این اتفاق در سکه‌های نقره یافت شده از شاپور اول (به جز سکه‌موزه الازیگ ترکیه)، نمود قابل توجهی نیافت، بنابراین نبود فرصت کافی برای شاپور نمی‌تواند دلیلی برای عدم ضرب لقب شاهنشاه ایران و انیران روی سکه‌ها چندان محل حمایت قرار گیرد.

نمی‌توان نبود لقب شاهنشاه ایران و انیران بر سکه‌های شاپور اول را به دلیل نقر ناقص سجع سکه‌ها بدانیم؛ زیرا هنوز در این زمان به سکه‌های کوچکی همچون ابول نقره برخورد می‌کنیم که سجع کاملی دارند، هرچند در برخی از همین سکه‌ها سجع-های مخفف، ناقص یا به صورت تکه‌پاره نیز دیده می‌شود (گوبل، ۱۳۹۱: ۷۳). سکه دودیناری یادبودی شاپور اول (نک: مطالب بالا) سجع کاملی از القاب شاپور و همچنین وقایع مرتبط با حادثه نقر شده را ارائه کرده است (Afram et al., 2007: 11-40)، بنابراین نمی‌توان ادعا کرد عدم نگاشتن لقب شاهنشاه ایران و انیران روی هر سکه‌ای اعم از طلا و نقره حاصل از کمبود جا روی سکه بوده، مانند این در برخی از نمونه‌ها کمبود جا بر کیفیت تصویر روی درهم‌ها (و نه نوشته) تأثیرگذار بوده است؛ از سویی نیز می‌دانیم از زمان هرمز اول ذکر لقب شاهنشاه ایران و انیران روی اغلب سکه‌های وی نقر شد (آرام، ۱۳۹۳: ۲۷) و مشکلی از بابت کمبود جا و یا سجع ناقص نیز ملاحظه نشد. برخی از پژوهشگران معتقدند که سجع روی سکه معمولاً با دیگر اسناد رسمی هم‌خوانی دارد؛ یعنی به دلیل پیروزی‌های شاپور اول، جانشینش هرمز اول از این لقب بر سکه‌ها استفاده کرده است (گوبل، ۱۳۹۱: ۷۵). با نظر به نگاشته‌های گوبل می‌توان چنین دریافت که شاپور اول، قبل از اینکه به صورت فراگیر از لقب شاهنشاه ایران و انیران استفاده کند، در گذشته پس از او پسرش، هرمز اول این لقب را استفاده کرده است و این مسأله نمی‌تواند چندان مقبول واقع شود. ممکن است پیروزی‌های کم‌دوام شاپور اول بر روند جانشینی تقریباً سهل هرمز اول مؤثر بوده باشد، اما به نظر نمی‌رسد قوانین دشوار شاهنشاهی ساسانی اجازه بهره‌گیری از لقب برآمده از فعالیت‌های پدر برای فرزند را مجاز دانسته باشد.

موفقیت نسبتاً زودگذر شاهنشاه در معادلات بین‌المللی؛ اگرچه موجب کسب عنوان شاهنشاه ایران و انیران در آثار غیر منقول محدود گردید، لیکن بر این نسبتاً ضعیف حاصل از پیروزی‌های زودگذر نظامی، موجب سرخوردگی واقع‌گرایانه شاهنشاه گردید و احتمالاً دلیلی برای در پیش گرفتن رویه عدم ضرب عنوان شاهنشاه ایران و انیران روی سکه‌های طلا و نقره رسمی باشد. در کتیبه کعبه زرتشت اسامی شهرهایی که از سوی شاپور فتح شدند، یاد گردید، اما همه آن‌ها مگر در مدتی کوتاه در دست وی باقی نماندند. کمتر رومیان و بیشتر اودینه، پادشاه پالمیر (تدمر) بود که به دست‌های سپاه ایران حمله برده و آن‌ها را وادار به-عقب‌نشینی به میهن خود کرده بود (فرای، ۱۳۸۹: ۲۲۶-۲۲۷). برخی از پژوهشگران معتقدند پیروزی‌های شاپور اول در غرب و شرق پیامد سیاسی قاطعی در بر نداشت؛ چرا که گالینوس در روم نظم را دوباره برقرار ساخت و در اتحادی با اذینه، شاه پالمیر، خسارات سنگینی بر سپاه شاپور وارد آورد و از سویی در شرق نیز پس از فتوحات شاپور در کوشان، سلسله سوم کوشان بدون وقفه قابل تمیزی پس از سلسله دوم به موجودیت خود ادامه داد (گوبل، ۱۳۹۱: ۱۲۲). بنابراین شاپور در هردو طرف بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های به دست آمده را از دست داد و ظاهراً این زمانی است که در سال‌های پیری به سر می‌برد و به همین دلیل آشکارا در برابر توسعه‌طلبی پالمیر واکنشی نشان نداد و به مسائل فرهنگی از جمله مانی و همچنین آباد ساختن سرزمین خویش دلبستگی یافت (فرای، ۱۳۸۹: ۲۲۷). ظاهراً در این بازه زمانی اودینه دو مرتبه تا نزدیکی‌های تیسفون تاخت یکبار در سال ۲۶۲م. و بار دیگر در سال ۲۶۶م. و شاپور در این زمان برخلاف سال‌های پیش جنبه دفاعی به خود گرفته بود (شیپمان، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷). انسلین معتقد است دلیل چنین موضوعی ناشی از کبر سن شاپور نبوده، بلکه درگیری وی در مناطق شرقی بوده است (Ensslin, 1949: 79)؛ گرچه برخی از پژوهشگران ضعف شاپور و موفقیت‌های اذینه (امیر عرب پالمیر) را گزافه‌گویی و اغراق مورخین رومی می‌پندارند (کریستن‌سن، ۱۳۸۲: ۱۶۵)، لیکن نمی‌توان همه ماجرا را در گزافه‌گویی و اغراق‌گویی مورخین رومی خلاصه ساخت؛ زیرا که شواهد سکه‌شناسی در این زمینه خود گویای مناسبات سیاسی در این زمان است. نیک می‌دانیم در این زمان لشکرکشی علیه مناطق شرقی جان گرفت و شاپور را از توجه به غرب باز می‌داشت و سکه‌های زر که به منظور تحرکات نظامی در شرق ضرب می‌شدند، قابل توجه هستند (گوبل، ۱۳۹۱: ۱۰۹). این توجه به شرق موجب گشت اذینه حتی

برای مدتی محدود تسلط بر نصیبین و حران را نیز در دست بگیرد (فرای، ۱۳۸۸: ۴۷۶-۴۷۷) و تنها با قتل وی از سوی رومیان (و نه شاپور) این غائله به پایان رسید (رجبی، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵). فشار در جبهه شرق و انفعال در جبهه غرب شاپور را وادار به- عقب نشینی و صرف نظر از قید عنوان شاهنشاه ایران و انیران روی سکه‌های رسمی ساخت. به نظر می‌رسد شاپور قصد داشت به- شورشیان شرقی یادآوری کند که وی همان فاتح نبرد حران است (که در آن امپراتور روم را شکست داده و اسیر ساخت) و مقاومت در مقابل او محکوم به شکست است، بنابراین اقدام به ضرب سکه‌ای دیگر درباره کوشانیان کرد (Zohrabyan, 2009: 2-4) و قصد داشت تا با اعتبار حاصل از اسارت یک امپراتور رومی و کشتن و خراج گزار ساختن دیگری، هزینه کمتری برای نبرد بپردازد، لیکن این بار نیز می‌بینیم که پیروزی نصفه و نیمه شاپور منجر به قید لقب شاهنشاه ایران و انیران روی این سکه و دیگر سکه‌های ضرب شده در این زمان نگردید. به نظر می‌رسد شاپور توانی برای ادامه مبارزه علیه شرق و غرب در خود نمی‌دید و صرفاً به عقد اتحاد با طرفین همت می‌گمارد که نمونه آن عقد اتحاد با بیوه اذینه، پاشاه پالمیر، به نام زنوبیا بود (رجبی، ۱۳۸۹: ۳۵). این مسأله نیز موضوعی فرامرزی بود و گرچه گاهی موجب تزلزل قدرت شاهنشاهی ساسانی می‌گردید، لیکن نمی‌توان به عنوان یک دلیل قابل توجه و همچنین پایه‌ای به آن نگاه کرد. به این ترتیب نمی‌توان از دست دادن قلمروهای مفتوحه رومی یا کوشانی در عصر شاپور را به عنوان تنها عامل خللی در روند نگارش لقب شاهنشاه ایران و انیران روی سکه‌های پادشاهی چون شاپور در نظر گرفت، اگر این خلل ایجاد شده روی سکه‌ها قابل توجه بوده است، چرا در روند نگارش لقب مذکور کتیبه‌های متنوع وی (کعبه زرتشت، بیشاپور، حاجی‌آباد) خللی ایجاد نکرد؟ این همچنان پرسشی بی‌پاسخ است.

### نتیجه‌گیری

شاهنشاه قدرتمند ساسانی، شاپور اول با هوشیاری تمام، فضای تبلیغاتی سیاسی-مذهبی محل اعتنای دو جامعه ایرانی و رومی را به خدمت گرفت تا اقتدار و برتری خود را در تمامی عرصه‌ها به نمایش گذارد. از جمله این‌ها لگدمال کردن پیکر بی‌جان امپراتور رومی، زانو زدن امپراتوران دیگر و همچنین الاهی رومی که حلقه قدرت را به شاپور می‌بخشد، در این زمینه قابل ذکر هستند. این توجه به تبلیغات مذهبی-سیاسی از سوی شاپور وی را در نمود تبلیغات در آثار هنری کوچک چون سکه‌ها منفعل تر نشان می‌دهد؛ گرچه هرازگاهی خبر از کشف سکه‌هایی با مضمون به کارگیری تبلیغات سیاسی شاپور با عنوان به کارگیری لقب شاهنشاه ایران و انیران شنیده می‌شود، لیکن کمبود این داده‌ها منجر به شکل‌گیری اندیشه‌ای نسبتاً ثابت گردید که شاپور عملاً در سکه‌های نقره از لقب شاهنشاه ایران و انیران استفاده نکرد (هرچند دو نمونه استثناً از این سکه‌ها دیده شده است). دلایل متعددی برای این امر یاد گردید که از جمله آن‌ها کمبود وقت، کمبود جا روی سکه و نقر سجع ناقص روی سکه، همچنین پیروزی‌های اذینه امیر عرب پالمیر قابل توجه تر بوده‌اند، این دلایل؛ گرچه قابل توجه هستند، لیکن هیچ یک از این دلایل نمی‌توانست مانع از قید لقب شاهنشاه ایران و انیران روی سکه‌های رسمی نقره از سوی شاپور به شمار آیند، بلکه به نظر می‌رسد که سکه‌های نقره محل تبلیغات سیاسی-مذهبی داخلی بوده و کمتر به تبلیغات سیاسی بین‌المللی در آن‌ها توجه می‌گردید و اندک سکه‌های مناسبی و نه اقتصادی طلای شاپور گویای تحولات و تبلیغات سیاسی بین‌المللی به شمار می‌روند که دو دیناری یادبودی با لقب شاهنشاه ایران و انیران و دینار دیگری که پیروزی وی بر کوشانیان را نشان می‌داد، بدون بهره‌گیری از لقب یاد شده از جمله این شواهد در نظر گرفته می‌شوند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Shapur, king of kings of Iranians and non-Iranians
2. Some Remarks on a Newly-Discovered Coin Type of Shāpūr I
3. A Unique Drachm Coin of Shapur I

### کتاب‌نامه

۱. آرام، مایکل ۱۳۹۳، «سکه‌های اولیه ساسانی»، در *ساسانیان*، ویرایش وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، تهران: مرکز.
۲. بیانی، ملکزاده ۱۳۵۱، «پژوهشی درباره سکه‌ها و نقوش و سنگ‌نبشته‌های شاپور اول، شاهنشاه ساسانی»، *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۳۹: صص. ۲۲-۱.

۳. دریایی، تورج ۱۳۹۲، *ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان*، ترجمه‌ی آهنگ حقانی و محمود فاضلی‌بیرجندی، چاپ دوم، تهران: کتاب پارسه.
۴. دریایی، تورج ۱۳۹۴، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
۵. دریایی، تورج ۱۳۹۶، *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی، چاپ پنجم، تهران: ققنوس.
۶. دریایی، تورج ۱۳۹۹، «سکه‌های ساسانی و نهاد پادشاهی»، در *نهاد پادشاهی در ایران باستان*، گردآوری تورج دریایی، ترجمه مهناز بابایی، تهران: پل فیروزه.
۷. دریایی، تورج، و رضاخانی، خداداد ۱۳۹۷، *از جیحون تا فرات: ایران‌شهر و دنیای ساسانی*، ترجمه‌ی مریم بیجوند، تهران: مروارید.
۸. رایگانی، ابراهیم ۱۳۹۷، «بررسی اوضاع مذهبی و باورهای اعتقادی پادشاهان عصر میانی ساسانی (پیروز اول، قباد اول و خسرو اول)، براساس پروکوپيوس مورخ رومی»، *معرفت ادیان*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱: صص. ۱۰۱-۱۱۶.
۹. رجبی، پرویز ۱۳۸۹، *تاریخ ایران در زمان ساسانیان*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
۱۰. رنفریو، کالین، و بان، پل ۱۳۹۰، *مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی*، ترجمه اکبر پورفرج و سمیه عدیلی، تهران: سمیرا.
۱۱. سعادت‌مهر، محمدامین، کوهستانی‌اندروزی، حسین، هاشمی‌زرزج‌آباد، حسن، و جوزی، زهره ۱۳۹۹، «آغاز امارت اسحاق‌بن‌احمد سامانی (۳۰۱ ه.ق.) در سمرقند با استناد بر شواهد سکه‌شناسی»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۷: صص. ۱۷۳-۱۸۸.
۱۲. سودآور، ابوالعلا ۱۳۹۳، *فره‌ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، هوستون (ایالات متحده آمریکا): میرک.
۱۳. شیپمان، کلاوس ۱۳۹۰، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه‌ی کیکاوس جهاننداری، تهران: فرزانه روز.
۱۴. طبری، محمدبن جریر ۱۳۸۵، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۱۵. غلامی، کیارش ۱۳۹۲، *سکه‌های اشکانی*، تهران: پازینه.
۱۶. فرای، ریچارد نلسون ۱۳۸۸، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. فرای، ریچارد نلسون ۱۳۸۹، «پادشاهان نخستین: کشاکش با روم»، در *تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت‌ساسانیان* (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ویرایش احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
۱۸. قهرمانی، ابوالفضل ۱۳۴۹، «سکه، نشان قومیت و آزادگی (۱)»، *هنر و مردم*، دوره‌ی ۸-۹، شماره‌ی ۹۲: صص. ۲۱-۳۵.
۱۹. *کارنامه اردشیر بابکان* ۱۳۶۷، پژوهش از محمدجواد مشکور، تهران: دنیای کتاب.
۲۰. کریستن‌سن، آرتور امانوئل ۱۳۸۲، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی غلامرضا رشید‌یاسمی، ویرایش حسن رضایی-باغبیدی، تهران: صدای معاصر.
۲۱. گوبل، روبرت ۱۳۹۱، «سکه‌های ساسانی»، در *تاریخ اقتصاد ساسانی*، گردآوری فرانتس آلتهایم و روت اشتیل، ترجمه‌ی هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. گیرشمن، رومن ۱۳۹۰، *هنر ایران (پارت و ساسانی)*، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۳. لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ ۱۳۹۳، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۴. موسوی‌حاجی، سیدرسول ۱۳۷۵، «تاملی عمیق در اثبات هویت واقعی و محتوای تاریخ نقش‌برجسته داراگرد»، *میراث فرهنگی*، شماره ۱۶: صص. ۵۲-۶۳.
۲۵. موسوی‌حاجی، سیدرسول، شریفی، مصطفی، و شفیع‌فر، فرزاد ۱۳۹۱، «رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۳: صص. ۴۵-۶۰.
۲۶. موسوی‌حاجی، سیدرسول، و سرفراز، علی‌اکبر ۱۳۹۶، *نقش‌برجسته‌های ساسانی*، تهران: سمت.
۲۷. نداف، ویدا ۱۳۹۵، «بررسی واژه ایران و انیران در کتیبه‌های ساسانی»، *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱: صص. ۱۰۷-۱۱۸.



۲۸. نصرالله زاده، سیروس ۱۳۹۸، کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پساساسانی (گورنوشته، یادبودی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۹. واندنبرگ، لویی ۱۳۴۸، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه‌ی عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.

۳۰. ویسهوفر، یوزف ۱۳۹۳، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، چاپ دوازدهم، تهران: ققنوس.

۳۱. هرمان، جورجینا ۱۳۷۳، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

32. Alram, M., M. Lemaquand, & L. Skjærvø, 2007, "Shapur, king of kings of Iranians and non-Iranians, Des Indo-Grecs aux Sassanides: Données Pour l'histoire" ET la *Géographie Historique*, vol. 17, no. 11: pp. 11-40.

33. Busse, H., 1975, "Iran Under the Buyids", in *The Cambridge History of Iran*, ed. Richard N. Frye, Cambridge: Cambridge University Press.

34. Canepa, M. P., 2010, "Technologies of Memory in Early Sasanian Iran: Achaemenid Sites and Sasanian Identity", *American Journal of Archaeology*, vol. 114, no. 4: pp. 563-596.

35. Carter, M. L., 1990, "Early Sasanian and Kushano-Sasanian Coinage from Merv", *Bulletin of the Asia Institute*, vol. 4: pp. 11-16.

36. Ensslin, W., 1949, *Zu den Kriegen des Sassaniden Schapur I*, München: Verlag der Bayerischen Akademie der Wissenschaften.

37. Göbl, R., 1971, *Sasanian Numismatics*, Braunschweig: Klinkhardt & Biermann.

38. Greatrex, G., & S. N. Lieu, 2005, *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars AD 363-628*, London: Routledge.

39. Gyselen, R., 2005, "Les Prédications à Partir des Étoiles Filantes en Iran", *The Fire Within: Atas-E Dorun: Jamshid Soroush Soroushian (Jamshid Soroush Soroushian Commemorative Volume II)*, ed. Mehrborzin Soroushian, Delhi: 1st Book Library.

40. Huyse, Ph., 1998, "Kerdir and the First Sasanians", in *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies: Held in Cambridge, 11th to 15th September 1995. Old and Middle Iranian Studies (Beitrag zur Iranistik)*, ed. Nicholas Sims-Williams. Wiesbaden: Dr Ludwig Reichert.

41. McDermot, B. C., 1954, "Roman Emperors in the Sassanian reliefs", *The Journal of Roman Studies*, vol. 44 (1-2): pp. 76-80.

42. Meyer, M., 1990, "Die Felsbilder Shapurs I", *Jahrbuch des Deutschen Archäologischen Instituts*, vol. 105: pp. 237-302.

43. Miles, G. C., 1975, "Numismatics". in *The Cambridge History of Iran*, vol. 4, ed. R. N. Frye, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 364-377.

44. Overlaet, B., 2009, "A Roman Emperor at Bishapur and Darabgird. Uranus Antoninus and the Black Stone of Emesa", *Iranica Antiqua*, vol. 44: pp. 461-530.

45. Reiner, E., 2006, "The reddling of Valerian", *The Classical Quarterly*, vol. 56 (1): 325-329.

46. Schindel, N., 2006, "Sasanian Gold Coinage: An Overview, in Dal denarius al dinar", *L'orient e la moneta Romana*, ed. F. DeRomanis & S. Sorda, Rome: Istituto Italiano per Numismatica, pp. 105-129.

47. Shavarebi, E., 2014, "Some Remarks on a Newly-Discovered Coin Type of Shāpūr I", *Studia Iranica*, vol. 43 (2): pp. 281-290.

48. Yücel, M., 2017, "A Unique Drachm Coin of Shapur I", *Iranian Studies*, vol. 50 (3): pp. 331-344.

49. Zohrabyan, A., 2009, "An Exceptional Gold Coin of Shapur I", *e-Sasanika Series*, no. 7: pp. 2-4.